



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۲۰۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۲۷۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharhdaily.ir

تهران: آذان ظهر ۱۲:۰۷ آذان مغرب ۱۷:۲۰ آذان صبح فردا ۵:۴۴ طلوع آفتاب ۷:۱۴

درام تلفنی

لالایی



سوسن مقصودلو

● هالو!
- نه؛ رحیم!
- آه! مامان شما پیدا؟
- حالت خوبه؟
- بله خوبم.
- بچه خوبه؟
- آره! الان دیگه دوماهشه.
- الکی خوبه؟
- «آل که» مامان! نام همسر من «آل که» است.
- من زیونم نمی‌چرخه نه‌جون؟ حالا خوبه؟
- بله توی اتاق بچه است.
- چرا پس صدای گریه بچه میاد؟
- «آل که» میگه بچه باید توی تخت بخاشه.
- گناه دارم برو خودت بغلش کن.
- نه مادر. «آل که» میگه بچه وابسته میشه.
- این هیترل می‌دونست کجا فرامواری کنه.
- نفهمیدم!
- قاشیسم!
- چی؟
- بچه دوماهه آغوش مادر می‌خواد.
- «آل که» میدونه چکار کنه.
- واسش لالایی می‌خونه؟
- نه گمون نکنم.
- ای دردش به جونم بذار من براش لالایی بخونم.
- از پشت تلفن؟
- خب بعله.
- نه! نمیشه.
- پس از راه دور چتو کنم ساکت شه.
- من نمی‌دونم.
- گوش‌رو بذار روی آیفون.
- چی؟
- به حرف نه‌هاش گوش کن. گوش‌رو بذار روی آیفون.
- آخه خنده‌داره.
- تو بخند. کاریت نباشه.
- خب خب خوب.
- گذاشتی؟
- بله.
- لا لا لا کل آلاه ز نگم
- لا لا لا رفیق روز تنگم
- لا لا لا کنم تا ماه در آیه
- عزیزم لای‌لای آرام جونم
- بابا جان لای‌لای دردت به جونم
- درخت سبز بوم در بیابون
- مرا از ریشه کنده یار نادون
.....
- رحیم جان!
.....
- ببین! صدای گریه بچه قطع شد.
.....
.....
- بچه به هر زبونی که باشه لالایی را می‌فهمه.
.....
.....
- من لالایی خوندم بچه خوابش ببره، بابای بچه خوابش برد، باشه! خدا نگهدار! بچه‌ام.

شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشدیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۲۰۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۲۷۳۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharhdaily.ir

روزگار سپری شده

«فرهاد فخرالدینی» از مسوولیت شهروندی می‌گوید

نگران درخت‌هایی هستم که بریده می‌شوند



عسل عباسیان

کردم و الان در اطراف تهران ساکنم، البته اینجا هم اولده است ولی وضعیت از تهران مساعدتر است. مدتی است به ناراحتی ریه دچار شدم. ماشین شخصی دارم ولی از آن حداقل استفاده را می‌کنم. شاید در طول یک‌ماه، فقط یک بار از آن استفاده کنم. هر وقت هم استفاده کنم برای مسافرت است و کمتر وقتی برای تردد درون شهر ماشین را بیرون می‌آورم. تا جای ممکن با اتوبوس و مترو و تاکسی‌های خطی تردد دارم. به نظرم برای اینکه مردم کمتر از خودروهای شخصی استفاده کنند، در درجه اول مسوولان باید قدم‌های بزرگ بردارند. مسلمانا وقتی اتوبوس فراهم باشه، و سر ساخت مترو هم دعوا نباشه، مردم هم رعایت وضعیت را می‌کنند.

صدرصد با تخصیص یارانه هنرمندان به وضعیت محیط‌زیست موافق هستید؟ اصلا خودتان یارانه می‌گیرید؟

من یارانه می‌گیرم چون هنرمندان موسیقی هم‌اکنون حداقل حقوق را دارند. مگر در مقیاس ۷۵ میلیونی جمعیت ایران، چند هنرمند داریم که تخصیص یارانه‌شان به وضعیت محیط‌زیست، مشکلی را حل کند؟ زندگی بسیاری از هنرمندان فلاکت‌بارتر از حد تصور است. این دردها را به چه کسی باید گفت؟ ارکستر موسیقی ملی پنج‌سال و ارکستر سمفونیک چندماه است که به‌خاطر عدم پرداخت حقوق، تعطیل شده. بسیاری از هنرمندان مسا الان نیازمندند. هوای تهران، و در کل وضعیت زیست‌محیطی به‌نظر من با این مبلغ ناچیز یارانه هنرمندان حل‌شدنی نیست. مثل این می‌ماند که یک قطار را در دریای بزرگ، اصلا به چشم نمی‌آید.

پیشنهاد شما برای رفع مشکلات محیط‌زیست و آلودگی هوا چیست؟
اگر واقعا مشکلی با تخصیص مبلغ یارانه هنرمندان حل می‌شود، من حرفی ندارم و داوطلب هم هستم. اما به گمان من موضوع حادثه و هزینه برتر از اینهاست. بودجه خاص و کلان لازم دارد و یک احساس مسوولیت قوی و یک مدیریت اساسی. یک مثال بزمنه، الان دریاچه ارومیه خشک و نابود شده است. چند دریاچه دیگر هم همین وضع را دارند. ما چطور می‌توانیم از آب‌های آزاد مثلا خلیج فارس، با لوله‌کشی نفت بفروسیم به مناطق دیگر؟

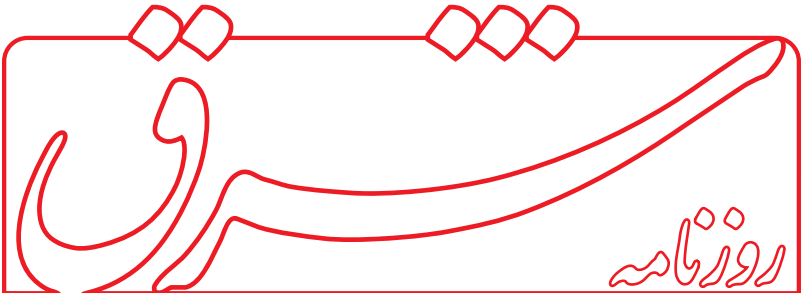
اما نمی‌توانیم آب بفروسیم تا این دریاچه‌ها را پر کنند؟ چطور لوله‌کشی در دریا برای انتقال نفت ممکن است، برای انتقال آب ممکن نیست؟
● در این صد و چند روزی که از دولت جدید گذشته، با توجه به سختی‌هایی که در سال‌های قبل متحمل شدید، چقدر به آینده امیدوارید؟

قبلا امیدوارتر بودم اما الان امیدم کمتر است، چون بخشی از انتظاراتم برآورده نشده است. هنوز ارکستر سمفونیک، بالاکلیف است و ارکستر موسیقی ملی هم بی‌کار. مسوولان دولت جدید آدم‌های خوبی هستند معاونت هنری و معاونت سینمایی آدم‌های خوبی هستند، اما خب همه مشکل بودجه دارند. آقای مرادخانی مردنیک‌ی است، اما متأسفانه پولی برای او نمانده که صرف انجام کاری اساسی کند.

چطور شد که شما تصمیم گرفتید از امضاکنندگان فراخوان «همه جای ایران سرای ماست» باشید؟

بهرحال کمک به حل مساله آلودگی محیط‌زیست، یک کار خیر است و ما باید خودمان هوای خودمان را داشته باشیم. محیطی می‌خواهیم که در آن زیبایی و سلامت باشد. پس طبیعی است که من هم امضاکننده چنین فراخوانی باشم. چون نگران درخت‌هایی هستم که به راحتی بریده می‌شوند و نگران هوایی که هر روز ریه‌های مرا بیمارتر می‌کند.

● خودتان برای آلودگی هوا چه می‌کنید؟ تا چه حد در افزایش یا کاهش این آلودگی سهیم هستید؟
واقعیت این است که من از آلودگی تهران فرار



دوشنبه ۹ دی ۱۳۹۲ ۲۷ صفر ۱۴۳۵ ۳۰ دسامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۹۱۸ ۱۶ صفحه



نازنین جمشیدی
nana.jamshidi@gmail.com



کارتون خواب



ادامه از صفحه اول

چراغ روشن عزاداری آیینی

میرزا آقاخان نوری و بعد از آن با یحیی‌خان مشیرالدوله ازدواج کرد) و همچنین تکیه حاجی بهاالدوله (نوه فتحعلی شاه) در עודلجان و یامتر اشاره کرد.
پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، تعزیه‌خوانی اندک‌اندک از رونق افتاد و از فروغ مجلس تعزیه تکیه دولت و تکیای دیگر تهران هم سال‌ها به سال کاسته شد چنانکه گفته‌اند در اواخر دوره قاجار، کسی در تکیه دولت دیگر مجلس تعزیه‌ای ندید. به این ترتیب مجالس دیگر هم به حال رکود و تعطیل افتادند. سرانجام در زمان پهلوی اول، نه فقط تعزیه که برپایی هر گونه مجلس روضه‌خوانی و عزاداری در ماههای محرم و صفر ممنوع شد گرچه در دوره پهلوی دوم، دیگر منعی وجود نداشت اما مجلس تعزیه دیگر به دوره زرین سابق خود بازنگشت بلکه به صورت ساده و بی‌الایش در روستاها و حاشیه شهرهای بزرگ و کوچک برگزار می‌شد. یکی از این روستاها که شکل‌گیری تعزیه در آن به همین سال‌ها (اوایل دهه ۲۰) می‌رسد، قریه دولت‌آباد (محله امروزی دولت‌آباد) در بین‌ری و تهران بود.

پایه‌گذار تعزیه این روستا، برخلاف عرف معمول، یک زن بود. این زن که «حسینه سیدصادقی» نام داشت، در اواخر دوره پهلوی اول که عزاداری ماه محرم ممنوع اعلام شده بود، در داخل روستا که به صورت قلعه و دارای حصار و برج و دروازه بود، مراسمی به راه انداخت و اهالی به دور از چشم مأموران شهرهای به عزاداری پرداختند. این اولین مراسم عزاداری بود که در اینجا برپا می‌شد. پیش از اینها اهالی، به خصوص جوان‌ها برای اقامه عزای به شهری (میدون کوچیکه) می‌رفتند خلم حسینه صادقی که اهالی دولت‌آباد را «خاله حسینی» صدا می‌زدند، با همکاری خانم‌های دیگر، در خانه رسته‌پلو با شکر می‌پختند و از عزاداران پذیرایی می‌کردند. این اولین مراسم عزاداری «خاله حسینی» در دولت‌آباد و در آن شرایط دشوار بود و مجلس، حتی مداح هم نداشت چه برسد به وسایل و امکانات عزاداری. خاله برای حل این موضوع از یکی از نوجوان‌های روستا به نام «ماشالله فرخ‌رو» خواست که این کار را انجام دهد. او هیچ سلیقه‌ای در این زمینه نداشت اما خاله حسینی برای اینکه اعتماد به نفس او را تقویت کند، گفت: «بخوان، بخوان کم کم یاد می‌گیری.» ماشالله فرخ‌رو، پس از مدتی تمرین، مداحی را فرا گرفت.

بخش پائین را در روز شنبه بخوانید

اگر امام با حضرت عباس(ع) در دستگاه «شور» سخن می‌گفت، نقش عباس هم باید در همان دستگاه شور جواب می‌داد. بنابر این میرزا محمدتقی‌خان دستگاه‌های موسیقی را هم خوب می‌شناخت. در آغاز مجلس، تعزیه‌خوان‌ها دسته‌جمعی، نوحه‌ای را در مایه «چهارگاه» می‌خواندند:
بزن چهچه‌چ بلبل بلبل / گل به گلستان آمد
بیا پیچان سنبل سنبل / انوبت بستان آمد
بنالای غن‌دلیلیا / دلغ اکبر شب و روز
فغان کن ای قمری / ز هجر اصغر شب و روز
جماعت مخالف‌خوان، اشقیا و امثال آنها، معمولا شعرهای خود را در هیچ دستگاهی نمی‌خواندند و صدای آنها بلند و ناهنجار بود و بدون تحریر و حالت پر خاش داشت. مراسم تکیه دولت ۱۰ روز اول محرم و در دونوبت برگزار می‌شد: یک نوبت پیش از غروب که بیشتر مختص خانم‌ها بود و یک نوبت شب، در یکی از شب‌ها، تکیه فرق بود و تعزیه فقط برای نمایندگان کشورهای خارجی مقیم تهران به نمایش درمی‌آمد. از این نمایندگان در طاق‌نمای بزرگ تکیه پذیرایی می‌کردند.

ادواردسراون که یکی از میهمانان این مراسم بوده است در کتاب «یک سال با ایرانیان»، ضمن تعریف و تمجید از این مراسم، بخشی دولتی آن را غلاب‌بخش می‌نامد و می‌گوید قطع اجرای دلنشین تعزیه به رزه ناگهانی نیروهای نظامی برای نشان دادن قدرت شاه، برنامه‌ها را ناهموک می‌ساخت و بسیار آزاددهنده بود. شب نهم هم تعزیه برگزار نمی‌شد. در این شب شاه به طاق‌نماها می‌رفت و صاحب هر طاق‌نما که معمولا از رجال و بزرگان و حاکمان یکی از ولایت‌های کشور بودند، به رسم تشکر از این توجه شاه، پیشکش نفیسی تقدیم شاه می‌کردند.

تعزیه‌خوانی علاوه بر آنکه به صورت کامل و مفصل در تکیه دولت برپا می‌شد، در دیگر تکیه‌های شهر و همچنین تکیه‌هایی که در خانه‌های اعیان و رجال برپا می‌شد، اجرا می‌شد. در تکیه‌های محلات اگر تعزیه‌ای برپا می‌شد، به وسیله گروه‌های محلی آن را اجرا می‌کردند اما در تکیه‌های اعیان و رجال، بیشتر میرزا محمدتقی‌خان معین‌البکه به همراه شبیه‌خوان‌هایش تعزیه را برپا می‌کردند. البته این مراسم با وسایل و شبیه‌خوان‌های کمتر برگزار می‌شد. از این تکیه‌ها می‌توان به تکیه عزت‌الدوله (خواهر شاه و همسر سابق امیرکبیر که بعد از مرگ امیرکبیر با پسر



اولین نمایش نیلوفر در خانه‌هنرمندان

هجدهمین برنامه سینماتک خانه‌هنرمندان به اولین نمایش و نقد فیلم نیلوفر، ساخته سابین جمایل به تهیه‌کنندگی فرشته طائرپور اختصاص دارد. این فیلم که بیش از شش سال از ساخت آن می‌گذرد درباره یک دختر بچه عراقی است که رویای درس خواندن و پزشک‌شدن دارد. در این فیلم که محصول مشترک ایران و فرانسه است، قلمبه معتمدآریا، شهاب حسینی، رویا نونهالی و هنگامه قاضیانی بازی می‌کنند. این فیلم برای اعضای سینماتک خانه‌هنرمندان، امروز ساعت ۱۷ در تالار ناصری نمایش داده می‌شود.

درنگ

مشکل یکی، مشکل همه



سعید رضوی‌فقیه

● سال‌هاست در جامعه ما افرادی که برای حل مشکل خود به شخص یا ادارای مراجعه می‌کنند با این جمله تلخ و آزاردهنده روبه‌رو می‌شوند که: «مشکل خود شماست.» این جمله متضمن سلب مسوولیت اجتماعی و حقوقی و اخلاقی در برابر مسایل و مشکلات دیگران است. حال آنکه در جامعه انسانی همه افراد بنبوعی در سودوزبان خویش با هم وابستگی و پیوستگی دارند و باید در برابر یکدیگر مسوولیت‌پذیر باشند. بسیاری از کسانی که چنین جمله‌ای را در برابر دیگران بر زبان می‌آورند به‌سادگی فراموش می‌کنند که انبوهی از مشکلات خود ایشان را دیگران حل کرده‌اند چراکه اساسا بنیاد زندگی اجتماعی را همین مشارکت و تعاون در حل مشکلات خود و دیگران تشکیل می‌دهد. با این‌همه برخی از ما همین‌که مشکلاتمان با همکاری دیگران حل‌وفصل شد با آراش خیال به این جهان‌بینی خویش‌خواهانه می‌رسیم که مشکل هر کس به خودش مربوط است.

قانون و اخلاق به‌مثابه دوزنماب به‌هم‌پیوسته و مکمل، جدولی را ترسیم می‌کنند که در یک ستون، حقوق افراد و در ستونی دیگر مسوولیت‌های متضایف با حقوق افراد درج شده به‌گونه‌ای که هیچ حقی نمی‌توان یافت که متضمن یا مستلزم وظیفه یا مسوولیتی در برابر دیگران نباشد. از این‌رو به‌سادگی می‌توان گفت تن‌زدن از مشارکت در حل مشکلات دیگران یا دست‌کم بی‌توجهی به مشکلات دیگران اگر گریز از وظایف و تکالیف قانونی نباشد احتمالا بی‌اعتنایی به مسوولیت اخلاقی است.

اگر بنی آدم اعضای یک پیکر تلقی شوند، منطقا یک عضو نمی‌تواند نسبت به عضو دیگر و مشکلاتش بی‌اعتنا باشد. میراث فرهنگی جامعه ما آکنده است از چنین آموزه‌هایی که با تعبیرات متنوع و متفاوت در متون دینی و ادبی و اخلاقی آمده است. پایه‌های معرفت فلسفی جهان امروز نیز چنین نگاهی به جامعه انسانی دارد. نظام‌های اخلاقی را چه مبتنی بر ارزش‌های ذاتی بینگاریم و چه بر پایه منفعت‌گرایی؛ چه در چارچوب عقل و معرفت بررسی کنیم و چه در چارچوب عواطف و احساسات، یک نکته را نمی‌توان از اخلاق و اخلاقیات حذف کرد و آن هم مسوولیت در برابر دیگران و مشکلات ایشان است. یعنی نمی‌توان به کسی گفت: «مشکل خود شماست و به من مربوط نیست»

گرچه شاید مسوولیت حقوقی در حل مشکل دیگران نداشته باشیم و نیز گرچه شاید توان و فرصتی برای گره‌گشایی از مشکلات دیگران نداشته باشیم اما اظهار جمله باندشه در بالا یک عمل غیر اخلاقی و بی‌انگهی یک نگاه غیر اخلاقی و غیر اجتماعی نسبت به مسایل انسانی است. متأسفانه همچنان‌که بسیاری از کالاهای صنعتی و تجاری به‌شکلی معیوب و ناقص وارد جامعه ما می‌شوند کالاهای معرفی وارداتی نیز ناقص و معیوب به‌دست ما می‌رسند. از همین‌رو به‌جای فردگرایی که از دستاوردهای دنیای جدید است یا خویش‌نخواهی و مسوولیت‌ناپذیری در برابر دیگران روبه‌رو می‌شویم که باوجود شباهت ظاهری با هم تفاوت اساسی دارند.

دکه

مخاطرات و فرصت‌های اقتصاد ایران زیر ذره‌بین «صنعت و توسعه»

● شرق: «ایران پس از گسست زنجیر تحریم» عنوان اصلی جدیدترین شماره ماهنامه صنعت و توسعه است که در آن، صاحب‌نظران از فرصت‌های پیش‌روی ایران پس از توافق ژنو سخن گفته‌اند. در این شماره با حسین راغفر، مهدی بهکیش و فرشاد مومنی گفت‌وگو شده و چهره‌های شناخته‌شده اقتصادی نظر‌اتشان را درخصوص مخاطرات پیش‌رو و ملاحظات که لازم است دولتمردان مدنظر قرار دهند مطرح کرده‌اند. در این پرونده تأثیر تحریم‌ها بر دو حوزه ریلی و نیز حوزه نفت بررسی شده است. در شماره جدید صنعت و توسعه زوایای خاص بودجه ۹۳ بررسی شده و سعید لیلزار، اقتصاد ایران در شرایط جدید را واکاوی کرده است. همچنین گفت‌وگوی ویژه مجله با یک خانواده گردشگر آلمانی انجام شده که این گردشگران از حیرت‌ها و شگفتی‌های خود در سفر به ایران گفته‌اند. رنج‌های شهرنشینی هم پرونده دیگری است که در آن به گرفتاری‌ها و مشکلات روزمره ایرانیان پرداخته شده است.

اسحاق جهانگیری، مدیر مسوولی ماهنامه صنعت و توسعه را برعهده داشته و این ماهنامه به قیمت سه‌هزار و ۵۰۰ تومان روی کیوسک‌های مطبوعاتی قرار گرفته است.



روزنامه شرق
تحويل روزنامه درب منزل
یا محل کار شما بدون هزینه ارسال
۰۲۲-۸۸۸۱۴۲۳۰-۳۲

محمد علیزاده
۱۸:۰۰ تا ۲۱:۳۰
۱۸ مرداد ۱۳۹۲
مراکز فروش پلیط
هنر شهر: ۶۶۴۸۱۶۵۵-۶
ققنوس: ۰۲۲۷۵۴۶۶۶-۰۷
دارنبوش: ۰۲۲۰۰۴۰۰
کافه کهن: ۸۸۵۹۲۷۷۱
پرشیما: ۸۳۸۰
پاز: ۰۲۲۸۷۸۴۶
تکین: ۸۸۰۸۴۲۲۶
خرید پلیط آنلاین با امکان انتخاب صندلی
www.iranconcert.com

آموزشگاه آزاد سینمایی موج‌نو
بامعجز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۵۳/۶۱۳۰
مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی
سایت موج‌نو را دیده‌اید؟
www.mojenofilmschool.com

کنسرت گروه کاروب
خواننده: محسن شریفیان
سرپرست گروه: همایون نصیری
تالار وحدت ۱۳، ۱۴، ۱۵ دی ساعت ۲۱:۳۰
مراکز فروش پلیط:
هنر شهر: ۶۶۴۸۱۶۵۵-۶
ققنوس: ۰۲۲۷۵۴۶۶۶-۰۷
دارنبوش: ۰۲۲۰۰۴۰۰
کافه کهن: ۸۸۵۹۲۷۷۱
پرشیما: ۸۳۸۰
پاز: ۰۲۲۸۷۸۴۶
تکین: ۸۸۰۸۴۲۲۶
خرید پلیط آنلاین با امکان انتخاب صندلی
www.iranconcert.com